

طرح و نقش در قالی ایران

□ «مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران»

□ جواد یساولی

□ فرهنگسرا

● منوچهر حمزه‌لو



بافت قالی به تفکیک استانی و مناطق تابعه با ۵۶۲ تصویر، (۷۶ تصویر رنگی، ۴۸۶ تصویر سیاه و سفید) و تعداد ۲۱۵ طرح و یک نمودار منتشر شده است.

یساولی در این کتاب که دربرگیرندهٔ پیش‌گفتار و مقدمه و ۳۹ عنوان کلی است مخاطب خود را از مسائل فرش بافی، مواد اولیه، روش اجرای کار قالی بافی، شیوه‌های بافت، مناطق مهم و مختلف قالی بافی ایران، نقوش فرش‌های مختلف ایران، شیوه‌های اجرای نقوش ذهنی بافی، بازارهای جهانی و غیره آشنا می‌کند و در هر بخش با ارائه تصاویر رنگی و سیاه و سفید و طرح‌های گوناگون اطلاعات سودمندی ارائه می‌دهد که برای علاقمندان و ناآشنایان به مسائل فرش ایران راهگشاست.

وی با بیان این مسأله که قالی بافی تأثیرات بسیاری بر اجتماع، اقتصاد، معیشت، فرهنگ عامه و معماری و غیره در کشور دارد، برخی نارسایی‌های موجود و روند صادرات در فرش ایران و دلایل رکود بازار فرش از قبیل افزایش نرخ دستمزد، مواد اولیه، تنزل کیفی رنگ، یکنواختی طرح‌ها، وجود دلالان و واسطه‌ها در مقابل رقابتی موجود را یادآور می‌شود و راهکارهایی اصلاحی در بهبود کیفیت تولیدات فرش و ارتقاء میزان صادرات ارائه می‌دهد. احیای نظام استادشاگردی، افزایش تولید پشم مورد نیاز در داخل کشور، تولید و احیای رنگ‌های سنتی، هماهنگی رنگ و طرح و نقش

تنوع هزاران طرح و درخشش رنگ‌ها در نقش قالی ایران، سبب پویایی و رمز پیشگامی و صدرنشینی قالی ایران بر فرش‌های جهان بوده و اکنون نیز با تمام افت کیفی آن فرشی که در دنیا بتواند یارای تنه‌زدن بر نقش و رنگ گیاهی فرش ایران را داشته باشد یافت نمی‌شود. بنابراین برماست که وقفه پیش آمده در کیفیت فرش را که امروزه گاه سبب تقلیل رشد کیفی و به‌ویژه صادرات آن در جهان شده، برطرف سازیم تا دیگر بار فرش ایرانی جایگاه و منزلت گذشته‌اش را بازیابد.

بدیهی است که نگارش و تألیف کتب در زمینه رشد کیفی و اصول صحیح بافندگی، رنگرزی، طراحی و نقشه‌کشی، نقطه‌گذاری، نقشه‌خوانی، رفوگری و جنبه‌های هنری طرح و نقش و اصالت نقش و فرهنگ بومی، سنتی و اصیل فرش ایران و مسائل جانبی اعم از صادرات و مشکلات آن، تولیدکنندگان و مشکلات بافندگان آن و هزاران مسأله و مشکل دیگر بسیار مؤثر است.

این امر در راستای پویایی جامعه دست‌اندرکاران قالی به ویژه جوانان تحصیل کرده در زمینه‌های متعدد فرش، با توجه به اینکه امروزه قالی ایران دانشگاهی شده است، سهمی به‌سزا خواهد داشت. و این امر میسور نیست مادام که نویسندگان و اقتسار مختلف دست‌اندرکاران فرش دستباف با دقت دو چندان از گذشته و ریزبینی بسیار، مسائل فرش ایران را از ذره‌بین

کنجکاو و هوشیار ذهن وقاد خود گذرانده و طرحی نو دراندازند، تا اهداف هنری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جایگاه والای فرش ایران محقق شود. کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران» قطره‌ای از دریای بیکران مسائل فرش ایران است که به معرفی مواد و ابزار، رنگرزی، طراحی، شیوه‌های بافت، رفو، روند صادرات و بازارهای جهانی فرش، تولیدات شهری و روستایی و معرفی نقوش و سبک‌های مناطق مختلف فرش بافی ایران پرداخته است. اثر حاضر که در واقع گردآوری مطالبی در حوزه فرش می‌باشد در ۴۴۰ صفحه فارسی و ۳۱ صفحه ضمیمه انگلیسی شامل؛ مقدمه تاریخی فرش بافی در ایران، فنون و شیوه‌های بافت، مواد و ابزار، رنگ‌ها، انواع گره، طرح‌ها و نقوش هندسی و تقسیم‌بندی انواع طرح‌ها به ۱۹ گروه، مراکز و مناطق

و متناسب ساختن آن با میل و سلیقه خریداران فرش ایران و بهادادن به هنر قالی‌بافی در سطوح دانشگاهی و ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری در فرش را از جمله موارد ارتقاء کیفی و کمی فرش‌بافی و افزایش درآمد ارزی فرش به‌عنوان یک کالای صادراتی غیرنفتی مهم بر می‌شمارد. همچنین اطلاعات مفیدی درباره فرش‌بافی مناطق مختلف کشور اعم از روستایی و شهری و ویژگی‌های بافت هر منطقه براساس پشم، رنگ، فرهنگ بومی و بخش‌های استان‌ها و مناطق ایلات و عشایر به همراه تصاویر و نگاره‌هایی از فرش‌های مناطق رادر اختیار خواننده می‌گذارد.

نکاتی پیرامون مباحث یاد شده:

- در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی آن شایسته‌تر بود که کتاب را به فصل‌های متعدد و هر فصل را به بخش‌های جزئی تقسیم می‌کرد تا در برخی مباحث برای خواننده اشکالاتی پیش نیاید. (ص ۱۰ و ۳۳)

- نویسنده، سبک‌شناسی نقشه‌های فرش ایران را در قالب نوزده گروه طبقه‌بندی کرده و حدود ۶۰ نقش و طرح از انواع بسیار گوناگون طرح‌ها و نقشه‌های فرش ایران را شاهد مثال آورده است. به نظر می‌رسد که این طبقه‌بندی نمی‌تواند از جنبه دقیق علمی برخوردار باشد، چرا که در گروه قشقایی، نقشه‌های لچک ترنج، ناظر (حاج خانمی)، ماهی درهم دیده می‌شود و به طور مثال می‌توان از نقش حاج خانمی که در گروه نقشه گلدانی چای دارد و یا ماهی درهم که خود یک گروه مستقل است نام برد. همچنین نقشه‌های فرش ایران در این رده‌بندی نمی‌گنجد چرا که در نقاط مختلف قالی‌بافی و روستاهای کشور نقشه‌های دیگری نیز وجود دارد و بهتر بود که با تعمق و بررسی و نگرش به این طبقه‌بندی مخاطبین را به توجه بیشتر به این مسئله هدایت می‌کرد و پیرامون هر یک از نقش‌ها، خواننده را به غور در مضامین نقوش توجه می‌داد.

- مقدمه کوتاه کتاب که در واقع به مباحث تاریخیچه قالی‌بافی پرداخته شده بسیار مختصر است و لازم بود راجع به مسائل تاریخی فرش توضیحات بیشتری داده می‌شد، به‌عنوان مثال درباره پیشینه فرش‌بافی در دوره اسلامی به فارس و آذربایجان اشاره دارد در حالی که قبل از آن مازندران در قرن سوم و بخارا در قرن چهارم هجری از مراکز مهم قالی‌بافی بوده و سپس خوزستان و فارس به مرکزیت قالی درآمده‌اند.^۱

مقدمه کتاب با مقدمه کتاب «قالی‌ها و قالیچه‌های ایران» نوشته اشتبرنر یکی است و عیناً نقل و نگارش شده است و چون کتاب مزبور توسط گروهی مترجم ترجمه شده و به وسیله یساولی تهیه و تنظیم و به چاپ رسیده و از سوی دیگر کتاب اشتبرنر تاریخ نشر ندارد و ناشر نیز ارجاع به منبع نداده، بنابراین مشخص نیست که مقدمه از کدام کتاب است.^۲

- حروف چینی کتاب به شیوه دو ستونی است و نویسنده در زیر هر ستون، ارجاع به منبع در متن همان ستون را در زیر آورده است که به دلیل برخی اشتباهات چاپی، اشکالاتی را برای خواننده ایجاد می‌کند. (صص ۱۱، ۱۸، ۱۱۸) و نیز در برخی موارد دارای اشکالات



۱۶) بنابراین نویسنده اگر مطلب را از جای دیگر برداشت کرده در آن دقت کافی نداشته است.

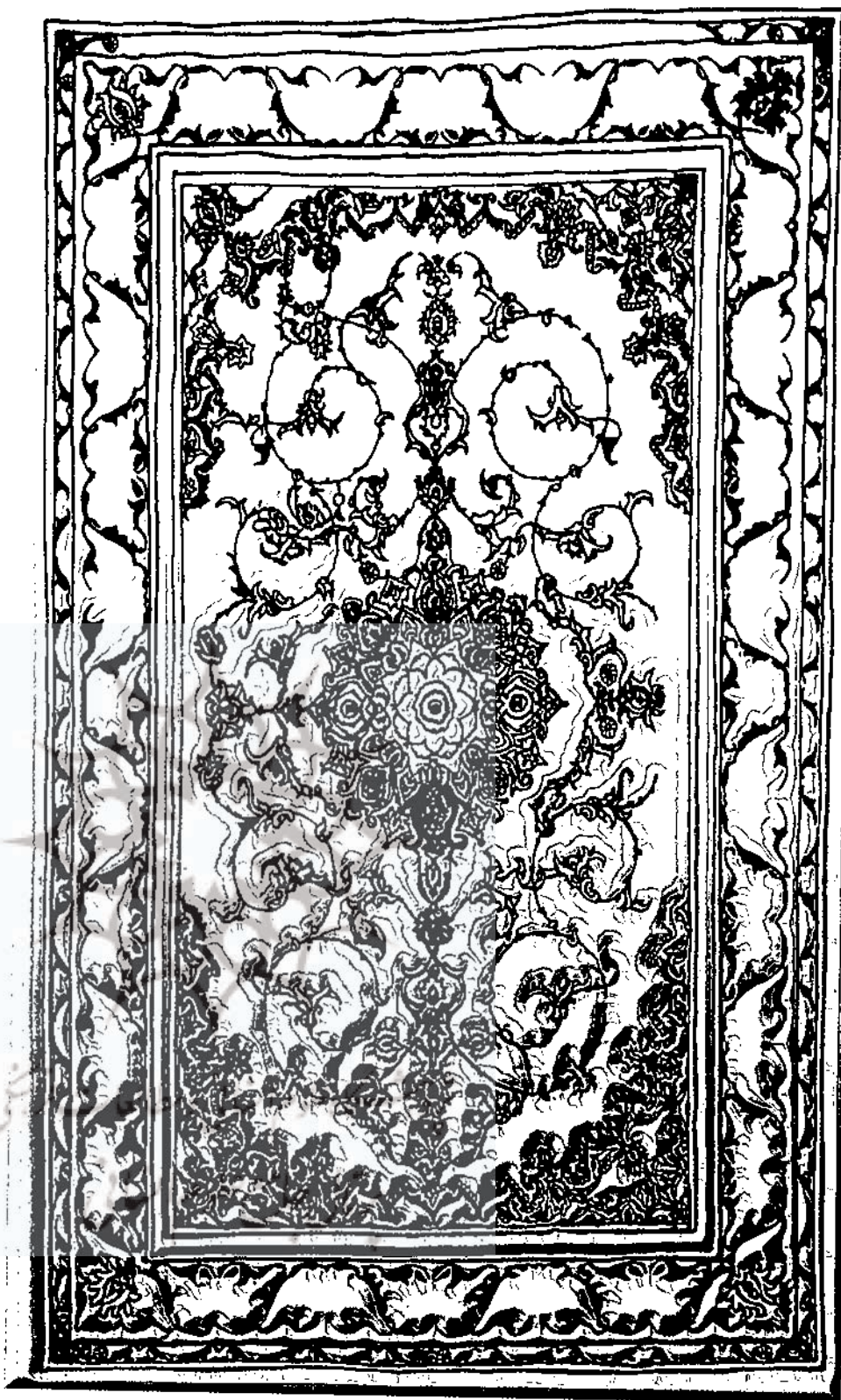
- نویسنده گاهی موارد در اثر عدم دقت دچار تناقض‌گویی شده است، به عنوان مثال (ص ۴۷) کشیدگی و محکم کوبیدن پودها را در شیوه لعل بافت و انسجام آنها را در این شیوه توضیح می‌دهد و در این شیوه از کاربرد دو پود ضخیم و نازک یاد می‌کند و اضافه می‌کند که در حالت تخت بافت تنها از یک پود نازک استفاده می‌شود و عدم کشیدگی مناسب پود و کوبیدن آرام آن را سبب عدم فشردگی می‌داند (ص ۴۸ پاراگراف سوم)، در حالی که در ذیل عنوان رفو به طریقه خواب مشهد، فرش‌های «درخش» را نرم و انعطاف‌پذیر و از شیوه لول باف که بیشتر به واسطه نازکی پود و نخوردن دقتین می‌داند (ص ۸۱ سطر ۲۱ و ۲۲) و باز در ذیل عنوان «درخش» فشردگی را از ویژگی‌های شاخص قالی «درخش» می‌داند (ص ۲۸۳) و این حاکی از آن است که نویسنده به دلیل گستردگی کار و اختصارگویی در موضوعات کتاب و عدم فصل‌بندی و طبقه‌بندی مناسب عنوان‌ها دقت و فرصت کافی در تجزیه و تحلیل داده‌ها و مطالب گردآوری شده نداشته است، چرا که در یک جا لول بافت را محکم و دو پود (یک ضخیم و یک نازک)، (ص ۴۷) ستون اول سطر ۹ و ۱۰ و ص ۴۸ ستون دوم سطر ۵ و ۶) و در جای دیگر لول بافت را در اثر نازکی پود و نخوردن دقتین، نرم و انعطاف‌پذیر می‌داند. (ص ۸۱ سطر ۲۰ ستون اول)^۲

- کاربرد گره به عنوان عناصر اساسی در بافت قالی (ص ۵۰) مناسب نیست، زیرا گره نوعی عمل، کار پیچاندن نخ یا هر وسیله دیگر که بتوان با آن چیزی را گره زد یا بست، نامیده می‌شود^۵ و کاربرد اصطلاح کرک مناسب‌تر است.

- عدم رعایت فهرست‌بندی مناسب و نظم منطقی و سلامت نگارش، به عنوان مثال در ابتدا لازم بود تار، چله و پود و خامه یا کرک تعریف می‌شد و سپس به شیوه‌های برپایی دار یا چله کشی و غیره پرداخته می‌شد (صص ۳۶ تا ۳۹ تا ۴۱) و همچنین در جایی (ص ۳۹) اختلاط و تسری فرش ترک باف و فارس باف به مناطق یکدیگر و رواج فرهنگ دو شیوه بافت به اکثر مناطق را بیان می‌کند و این قولی است که جملگی برآیند. اما در جای دیگر گفته سیسیل ادواردز بر انتساب ترکی بافی به مناطق ترک زبان و فارسی بافی به مناطق فارسی زبان را منطقی می‌داند (ص ۵۰) که از تحلیل نویسنده برخوردار نیست.

- در بخش طراحی قالی و مباحث نقشه خوب، بهتر آن بود که درباره چگونگی نقطه کردن نقشه صحبت می‌شد، چرا که از موارد اساسی نقشه مرغوب، خوب نقطه شدن آن است. (ص ۹۱)

- در توصیف نقش محرمات در قالی بافی و شرح پیشینه این نقوش، سابقه آنها را از روی (لباس‌های) نقش شده بر ظروف مصور یونانی به دوره هخامنشی (ص ۱۳۰) می‌رساند، در اینجا نیز بهتر بود نویسنده از نقوش مزبور شاهد مثالی می‌آورد. لازم به توضیح است که نه تنها نقوش مصور لباس‌های یونانی درباره پیشینه نقوش محرمات قابل استناد نیست، بلکه اگر این فرض



(ص ۲۳) - با اشاره به لعاب و رنگ نقش سرباز جاویدان در تخت جمشید به عنوان قدیمی‌ترین نمونه رنگ آمیزی و رنگرزی، تاریخچه رنگرزی را به هخامنشیان می‌رساند (ص ۱۶) نخست آنکه ما در تخت جمشید نقش سرباز جاویدان نداریم^۳ و این نقش از کاوش‌های شوش به دست آمده است و دیگر اینکه پیشینه آجرهای رنگی - نه لعابدار - نه تنها در دوره هخامنشی، بلکه در دوره ایلامی‌ها و کاسی‌ها نیز مشاهده شده است. (ص

ویرایشی است از جمله صفحات (۱۲) پاراگراف دوم، ۲۲ سطر ۱۰، (۶۴) سطرهای ۶ و ۷، (۱۸۲) سطر ۹، (۱۹۵) سطر ۵ و همچنین برخی تصاویر چاپ شده (صفحات ۱۶ و ۲۲) و شرح برخی تصاویر در زیرنویس، اشتباه می‌باشد (ص ۲۶۹).

- در معرفی ابزار قالی بافی تصویر ارائه شده گویای همه ابزار نیست (ص ۳۷) و در شرح دار عمودی قالی بافی لازم بود توضیح داده شود که قالی‌هایی با ابعاد بزرگتر نیز به وسیله این دارها قابل بافت می‌باشد.

معرفی پژوهش

بافت تصویری مناطق کردنشین «رویایا و افسانه‌های کردی»



■ بهاء‌الدین محمدی زاد

■ دانشکده هنرهای تجسمی، کارشناسی ارشد

■ ۱۲۱ ص، تصویر، عکس، واژه‌نامه، کتابنامه

صحیح باشد می‌توان سابقه خطوط راه‌راه را به نقوش به‌دست آمده با باند منفرد یا باند محصور و یا باند مجزا بر روی سفال‌ها از دوره برنز شوش A و یا تپه حصار C و سیلک ۳ نیز رساند که این نیز خود قابل تأمل است.

- عدم رعایت شیوه مناسب فهرست‌نویسی منابع و مأخذ به شیوه مرسوم در مأخذ نویسی از جمله عدم رعایت ترتیب حروف الفبا و همچنین ترتیب الفبایی نام نویسندگان و نیز آوردن کلیه منابع مورد استفاده در فهرست مأخذ، مثال؛ (ص ۲۳۶ تاریخ قم و کاشان و ص ۱۸۸)

- در ادامه طرح‌ها و تصاویر بهتر آن بود که کلیه طرح‌های منتخب از تصاویری باشد که در متن کتاب آورده شده، تا خواننده در درک نقوش قالی‌های مناطق دقت بیشتری نماید، که به این امر توجه کمتر شده است، ص ۲۰۲.

- لفظ مدالیون در بسیاری موارد به کار برده شده که بهتر بود نویسنده کلمه ترنج را به جای آن به کار می‌برد. زیرا مدالیون تقریباً همان ترنج است (ص ۲۰۸ سطر ۲۲ و ص ۳۴۲ و در ص ۳۳۷ برای طرح سه حوضی یا سه ترنجی در قالی کردستان (سنه) لفظ مدالیون به کار برده است که صحیح به نظر نمی‌رسد).

- زیرنویس برخی تصاویر اشتباه ثبت شده (ص ۲۶۹) و از برخی مورخین به نام جغرافی‌نویس یاد شده است (ص ۲۸۴).

- بتأیر شیوه معمول در نگارش کتاب مورد نظر پس از شرح قالی‌بافی هر منطقه یا استان، طراحان و قالی‌بافان معروف آن منطقه را معرفی نموده، اما در منطقه اراک، ساروق، محال و میر و نیز جاهای دیگر این مورد رعایت نشده است. همچنین در شرح قالی‌بافی برخی مناطق از پشم، کرک، گره و نوع بافت و غیره توصیف شده اما در برخی مناطق شرح مختصر موارد یاد شده از نظر نویسنده دور مانده است.^۶

- مناسب بود که برخی اصطلاحات به کار رفته در متن را در پایان کتاب تحت عنوان معانی برخی اصطلاحات، شرح می‌داد (ص ۶۷ سطر ۲۰ و ص ۷۷ و غیره).

به این امید که در چاپ‌های بعدی در رعایت موارد یاد شده تلاش شود.

پاورقی:

۱- ر. ک. به: مرزبان، پرویز، ۱۳۷۴. هنر ایران، فرزاد ص ۱۱۸ به نقل از:

Rechard Etting haussen in Kali Encyclopaedia of Islam. Supelment. 1. 1943.

۲- ر. ک. به: اشترینر، اریک. قالی‌ها و قالیچه‌های ایران. بدون تاریخ تهیه و تنظیم از جواد یساولی. مقدمه.

۳- نوروززاده چگینی، ناصر، گفت‌وگو، سازمان میراث فرهنگی کشور

۴- برای آگاهی بیشتر از شیوه لول بافت ر. ک. به: دانشگر، احمد، فرهنگ جامع فرش، ۱۳۷۶، سازمان چاپ و انتشارات یادواره اسدی ص ۴۸۹ ذیل لغت لول باف.

۵- دانشگر، احمد، پیشین ص ۴۵۸.

۶- ر. ک. به: بخش قالی‌بافی کرمان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این پژوهش براساس ماهیت اصلی و شمای کلی با ظرافت‌های خاص موضوع و موارد گوناگون طبیعت دیار مناطق کردنشین طراحی شده است و براساس نوع تفکر و بینش مردم نسبت به عملکردها و باورهایشان تأکید شده است. در نهایت نیز به جایگاه ویژه و حائز اهمیت آنان در مقولات تصویری و به ویژه نقاشی اشاره گردیده است. نتایج حاکی است که بافت تصویری مناطق کردنشین، از مجموعه عوامل و عناصری که تشکیل‌دهنده فرم و رنگ و با مفاهیم و جلوه‌هایی کم‌نظیر حکایت دارد، که از تقاء و گسترش دانش و علوم و فنون به خصوص در مقوله تصویر و ارزش‌های تصویری نقشینه‌ها در این مناطق در گرو تحلیل و بررسی آگاهانه و جسورانه آنهاست. این عوامل ارتباط‌های موجود میان رخدادهای گوناگون تاریخی و زایش‌های مختلف در میان آداب و سنن و فرهنگ اصیل این مردم و دست‌آفریده‌های هنری کشورمان، به شناخت و طبقه‌بندی صحیحی از موضوع می‌انجامد.

هدف این پژوهش، گردآوری، معرفی و بررسی ساختار بصری عناصر متشکله بافت تصویری مناطق کردنشین ایران، با توجه به جنبه‌های هنری اشکال و نقوش و دستاوردهای گوناگون به صورت طبیعی و مصنوع می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری و گردآوری علائم و نشانه‌های موجود در میان نقشینه‌های تزئینی و صنایع دستی و آرایه الگوهای مناسب برای محصولات هنری است که در میان آثار سنتی شکل گرفته است. با توجه به شکل ظاهری و اهمیت داشتن طرح‌ها و نقشینه‌های به وجود آمده در میان مردم منطقه و کاربرد آنها و برخی از نمونه‌گیری‌های اتفاقی، گردآوری اطلاعات براساس روش میدانی و توصیفی صورت پذیرفته و جمع‌آوری آنها به صورت تجربی و حضور و ارتباط مستقیم با محیط مورد پژوهش و ملاقات با پژوهشگران مختلف در منطقه و اقتباس از نظریات و تحقیقات ایشان و در برخی موارد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.